www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/6912/83311?ParentID=82019

[پیام زن](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3992)، [اردیبهشت 1388 - شماره 206](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/6912/0)

**نقش آفرینی بانوان در تبلیغ دین(3)**

**روزگار امام علی(ع)، بانوان قرآن شناس و مفسر**

**سیدعباس رضوی**

|  |
| --- |
| دوران کوتاه حکومت امام علی(ع) فرصت مناسب و پرارزشی بود که معارف ناب دین و شریعت برای مردم شرح شود و مسلمانان بیش از پیش با سنت و سیرت اصیل پیامبر(ص) خدا آشنا گردند و پرده های تحریف و وارونه نمایی از چهره اسلام زدوده شود. در عمل به این وظیفه مهم، افزون بر مردان مؤمن و مجاهد، زنان، به ویژه بانوان خانواده پیامبر(ص) که به همراه کاروان امام از مدینه به کوفه هجرت کردند و همسران یاران ویژه، کوشا بودند و ارزش های دینی را به مردم می رساندند و عراقیان و ایرانیان(1) را به راه و رسم رسول خدا آگاه می کردند؛ چه از دوران حکومت ساسانیان هنوز زمانی دراز نگذشته بود و هنوز رسوب فرهنگ طبقاتی و عادات جاهلی در افکار و اندیشه مردمان این دیار وجود داشت(2) و وجود کارگزاران ناآشنای با دین، مانند ولید بن عقبه در دوره خلیفه سوم، مانع از آن بود که مردم این منطقه اسلام را بدرستی بشناسند.(3) شمه ای از عملکرد بانوان متعهد در دوره خلافت علی(ع) از این قرار است.  **1. درس تفسیر قرآن**  علی(ع) به نشر و قرائت و تفسیر قرآن اهمیت فراوان می داد و مردم را تشویق می کرد قرآن بیاموزند و آن را به مردم بیاموزانند. آن امام همام، با بیان جایگاه قرآنی و حاملان آن، مردم را به احسان و همکاری با علما و حاملان قرآن توصیه می فرمود.(4)  امام و فرزندان او و یارانی چون ابن عباس، در خطبه ها مردم را با معارف قرآن آشنا می کردند و زنان نیز از برنامه های قرآنی بهره می بردند. و افزون بر آن، خود نیز محافل ویژه قرآنی داشتند. در این مجلس ها موضوعات قرآنی شرح و بررسی می شد و زینب کبری(س) مدیر و مدرس این گونه مجلس های قرآنی بود.  زینب، بانویی فرزانه، تیزهوش و قرآن شناس بود. در دامن علی(ع) و فاطمه(س) پرورش یافته و روح و جانش از نور معرفت و دانش آکنده بود. او، از خردسالی «فهیمه» و نکته یاب بود. فضای معنوی و آرامش حاکم بر خانواده پیامبر، عواطف پاک وی را سرشار و عقل و خردش را شکوفا کرده بود. سخن های خردمندانه و پرسش های پر مغز او نیز از نبوغ و بلوغ فکری آن زاده زهرا حکایت داشت.  مورخان نوشته اند: زینب، در خردسالی از پدر پرسید: آیا ما را دوست می داری؟ و پس از آن که علی(ع) فرمود، چگونه شما را دوست ندارم که شما میوه های دل من هستید، گفت: محبت حقیقی از آن خداست و شفقت و مهربانی از آن ما.  و باز درباره زکاوت زینب گفته اند: روزی علی(ع) او را در دامن خود نشانده بود و نوازش می کرد. به دخترش گفت: بگو یک. و او گفت. سپس فرمود: دو. زینب سکوت کرد و آن گاه که علی(ع) از او پاسخ خواست، زینب گفت: پدرجان من با زبانی که «یک» گفته ام، نمی توانم «دو» بگویم. که اشاره ای بود لطیف به توحید خداوندگار، و پدر او را در آغوش کشید و پیشانی او را بوسه داد.(5)  زینب، در بزرگی به «عالمه» و «فهیمه»، شهره بود. امام سجاد(ع) عمه اش را «عالمه غیرمتعلمه» و «فهیمه غیرمفهمه»،(6) (دانای مدرسه نرفته و فرزانه استاد ندیده)، خوانده است.  **جایگاه قرآن و سنت در نگاه زینب**  زینب(س) بنا بر حدیث: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»(7)، قرآن و عترت را قرین همدیگر می دید و آن دو گوهر گران بها را از یکدیگر جدا نمی شمرد و تفسیر و شرح راز و رمزهای قرآن و تأویل اشارات آن را در شأن خانواده پیامبر(ص) می دید. در نگاه و باور دختر علی، قرآن در میان این خانواده نازل شده بود و اهل بیت(ع)، نخستین تلاوت گران آن بودند. او، مردم را تشویق می کرد که به قرآن و عترت پیامبر چنگ زنند و به ریسمان استوار ولایت و امامت علی(ع) بیاویزند و از پرتو دانش او راه جویند. در یکی از سروده های منسوب به آن بانوی اسلام، چنین آمده است:  تمسک بالکتاب و من تلاهفاهل البیت هم اهل الکتاب  بهم نزل الکتاب و هم تلاهو هم اهل الهدایه للصواب  امامی وَحَدّ الرحمن طفلو آمن قبل تشدید الخطاب  علی کان صدیق البرایعلی کان فاروق العذاب  شفیعی فی القیامة عند ربینبیی و الوصی ابوتراب  و فاطمه البتول و سیدا، منیخلد فی الجنان من الشباب(8)  به قرآن و تلاوت گران آن متوسل شو و بدان که اهل بیت، اهل قرآن اند.  کتاب خدا برآنان نازل شده و ایشان تلاوت گر آن اند و آنان اند که به درستی و راستی هدایت می کنند.  امام من [علی] از کودکی یکتاپرست بود و پیش از بلوغ ایمان آورده بود.  علی دوستدار آفریدگان خدا و علی دورکننده عذاب دوزخ است.  شفاعت گر من در قیامت، پیامبرم و وصی او ابوتراب باشد. و نیز فاطمه بتول و دو سرور جوانان اهل بهشت [حسن و حسین].  گروهی از مردان کوفه نزد امیرمؤمنان آمدند و گفتند: اجازه بده زنان ما نزد دخترت آیند و از او معارف دین و تفسیر قرآن بیاموزند. علی(ع) اجازه داد.  و زینب(س) به اشارت پدر برای بانوان کوفه درس تفسیر قرآن شروع کرد.  روزی امیرمؤمنان وارد خانه شد و شنید عقیله بنی هاشم، حروف مقطعه قرآن را برای زنان شرح می دهد، سخن در آیه نخست سوره مریم بود: «کهیعص»؛ کاف، هاء، یاء، عین، صاد. پس از پایان درس، علی(ع) نزد زینب(س) رفت و فرمود: آیا می دانی این حروف رمزی است درباره رویدادهایی که در سرزمین کربلا بر تو و برادرت حسین وارد خواهد شد؟(9)  ام الحسن، مادر حسن بصری نیز از بانوان علاقه مند به قرآن و تفسیر بود. او نیز برای زنان مجلس، درس و نقل حدیث داشت.(10) او از ام سلمه، همسر پیامبر روایت های بسیاری را در تفسیر آیات قرآن شنیده و برای بانوان نقل کرده است. از جمله آن ها روایتی است مفصل، در تفسیر سوره واقعه و آیات مربوط به زنان بهشتی که بخشی از آن را گزارش می کنیم:  از پیامبر پرسیدم: از گفته خداوند «عُرُباً اترابا»؛(11) (دلباخته همسران و هم سن و سال) مرا خبر ده! فرمود: اینان پیر زنان فرتوت و روسوخته و سفید مویند که خداوند در قیامت آنان را دوشیزه، دلباخته و هم سن و سال همسر و دوستدار و عاشق و شیفته یکدیگر محشور می فرماید.  از پیامبر(ص) پرسیدم: یا رسول الله، آیا زنان دنیا برترند یا حورالعین؟ فرمود: زنان دنیا برترند از حورالعین به برتری روی پارچه بر آستر. گفتم: یا رسول الله، دلیل برتری زنان دنیا بر حورالعین چیست؟ فرمود: به انجام نماز و روزه و عبادت های آنان. خداوند به صورت هایشان نور و به اندام آنان ابریشم می پوشاند، رنگشان سفید با لباس های سبز، با زر و زیور زرد فام، با عطردانی از دُر و شانه هایی از سیم و زر. این بانوان بهشتی چنین نغمه می سرایند: بدانید ما جاویدان هستیم و مرگی در پیش نیست. ما در ناز و نعمتیم و فقر و تنگ دستی سراغ ما نیاید ما ماندگاریم و کوچی در کار نیست. ما خرسندیم و هیچ گاه ناراضی نشویم. خوش به حال کسی که ما از اوییم و او از آن ماست.  پرسیدم: یا رسول الله از ما زنان کسی است که دو شوهر یا سه و یا چهار شوهر کرده پس می میرد و وارد بهشت می شود و همسران پیشین او نیز بهشتی اند، کدام یک از شوهران، شوی او در بهشت اند؟  فرمود: ای ام سلمه، او شوهر را برمی گزیند و هرکدام از آنان را که خوش اخلاق تر بوده اند، انتخاب می کند و می گوید: پروردگارا، این مرد خوش خلق ترین با من در دنیا بود. او را به ازدواج من درآور. ای ام سلمه، حسن خلق موجب خیر دنیا و آخرت است.(12)  **جلسه پرسش و پاسخ بانوان**  شیخ ذبیح الله محلاتی، از کتاب بحر المصائب، شیخ محمد جعفر تبریزی گزارش کرده، یک سال پس از ورود علی(ع) به کوفه، زنان این شهر توسط همسران خود به امیرمؤمنان پیغام دادند شنیده و فهمیده ایم، زینب چونان مادرش زهرا، عالمه و محدثه است. اجازه فرما بامداد که یکی از اعیاد است از او استفاده بریم. امام اجازه داد. محفلی آماده شد. زنان نزد زینب(س) آمدند و پرسش های دینی خود را از او پرسیدند(13) آن بانو به همه سؤالات آنان جواب داد.  **2. دریافت و نشر حدیث**  از دیگر حرکت های مثبت و تبلیغی بانوان در دوره امام علی(ع)، تلقی روایت های پیامبر(ص) و علی(ص) و نشر آن بود. زنان، در حوزه معارف دین، ارزش های مذهبی، احکام و شریعت و سیره اهل بیت(ع)، آموزه های پرمغزی را به ما منتقل کرده اند که نشان گر نقش پررنگ این گروه در عرصه تبلیغ دین و مکتب است.  **زینب(س) و نقل و تفسیر حدیث**  زینب کبری، افزون بر قرآن شناسی، حدیث شناس هم بود. و بر همه راز و رمز و نکته ها و شأن صدور روایات پیامبر(ص) و فاطمه(س) و امام علی(ع) آگاهی داشت. آن بانوی اسلام، روایت های گوناگونی را در زمینه معارف اسلامی، حقوق زنان و مردان، امامت و ولایت و... نقل و شرح کرده است. به چند روایت دراین باره توجه کنید:  زینب(س) نزد امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نشسته بود. آن دو، احادیث پیامبر را برای یکدیگر بازگو می کردند. زینب به آنان گفت: شنیدم که می گفتید، رسول خدا فرموده: «الحلال بیّن و الحرام بیّن و شبهات لایعلمها کثیر من الناس؛  حلال بین و آشکار و حرام نیز بین و آشکار است ولی شبهات را بسیاری از مردم نمی شناسند.»  سپس زینب(س) حدیث را این چنین کامل کرد: هرکس شبهات را ترک کند، امور دینی اش اصلاح می شود و عِرض و آبرویش سالم می ماند و هرکس به شبهات پیوند خورد و در آن گرفتار شود و آن را دنبال کند... مانند کسی خواهد بود که گوسفندش را نزدیک مناطق ممنوعه بچراند و هرکس چهارپایانش را نزدیک مناطق ممنوعه بچراند، نفسش او را وادار به چراندن در آن منطقه می کند. آگاه باشید که هر پادشاه و ملکی حَرَمی [منطقه ممنوعه ای] دارد و منطقه ممنوعه خدا، محرمات اوست.  دختر زهرا(س)، سپس افزود: «پیامبر فرمود، آگاه باشید، همانا در بدن تکه گوشتی است که اگر سالم بماند، تمام بدن سالم خواهد بود و اگر فاسد شود، تمام بدن فاسد می شود. بدانید آن پاره گوشت، قلب است... آیا نشنیده اید رسول خدا، همان کسی که خداوند او را تربیت کرد چنان که پیامبر فرمود: اَدّبنی ربّی فاحسَن تأدیبی فرموده: حلال آن چیزی است که خداوند عزّوجل در قرآن کریم، آن را حلال کرده و رسول خدا آن را بیان کرده است که از جمله حلال ها، خرید و فروش، اقامه نماز در وقت آن، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان حج خانه خدا بر توانای بر حج، امر به معروف و نهی از منکر، ترک دروغ و نفاق و خیانت است و حرام، آن چیزی است که خداوند آن را حرام کرده و در قرآن از آن یاد و رسول خدا آن را بیان کرده است و حرام نقیض حلال است.»  اما شبهات، اموری است که حلال و حرام آن معلوم نباشد و انسان مؤمن هرگاه نداند چیزی حلال است یا حرام و خواهان سعادت دو سرا باشد، بایسته است شبهه ها را دنبال نکند؛ چرا که شبهه ها او را به حرام خواهد کشاند.»  در این هنگام امام حسن(ع) به خواهر گفت: خداوند بر آراستگی و فضایل تو بیفزاید. سخن همان است که گفتی، همانا تو از درخت نبوت و از معدن رسالت هستی.(14)  و نیز زینب کبری روایت کرده: جدم محمد مصطفی، حقوقی را برای ما زنان نسبت به همسرانمان مقرر کرد همان طور که حقوقی را برای مردان نسبت به زنان واجب کرد.(15)  و نیز جدم، پیامبر(ص) می فرمود: هرگاه زنی نمازهای پنج گانه را به جای آورد و ماه رمضان را روزه گرفت و آبرویش را حفظ کرد و از همسرش اطاعت نمود، به او می گویند: از هریک از درهای بهشت که دوست داری وارد بهشت شو.(16)  و نیز از حضرت زینب(س) روایت های گوناگون دیگری از پیامبر(ص) درباره فرجام شیعیان علی بن ابی طالب(ع) حضرت مهدی(عج)(17) و... نقل شده است.  در گذشته اشاره شد، راوی خطبه پر مغز و بلیغ فاطمه زهرا(ص) در مسجد البنی، زینب بود که با همه ویژگی ها، همراهان حضرت زهرا(س) و چگونگی ورود به مسجد و بازتاب آن در میان مسلمانان توسط زینب(س) آن را گزارش کرد.  **فاطمه بنت علی(ع) روایت گر حدیث**  از راویان حدیث در دوره امیرمؤمنان(ع) و روزگار پس از آن، فاطمه دختر امیرمؤمنان(ع) بود. وی بانویی بود روشن اندیش و با ایمان و دانا، و از جدش پیامبر و پدرش امیرمؤمنان(ع) روایت های بسیاری نقل کرده است. فاطمه، همسر محمد بن أبی سعید بن عقیل بود.(18)  مردم به نزد فاطمه می آمدند و از مشکلات دینی و مسائل حلال و حرام از او می پرسیدند. نسائی در الخصائص از موسی بن عبدالله جهنی نقل کرده:  «دخلت علی فاطمة بنت علی فقال لها رفیقی ابومهل، هل عندک شی ء من والدک مثبت؟ قال: حدثتنی اسماء بنت عمیس ان رسول الله قال لعلی: انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی؛(19)  بر فاطمه دختر علی(ع) وارد شدم. همراه من، ابومهل، از او پرسید: آیا روایت ثابت شده ای درباره پدرت (علی) به یاد داری؟ گفت: از اسماء دختر عمیس شنیدم که پیامبر خدا(ص) به علی(ع) گفت: تو در نزد من همان جایگاهی را دارایی که هارون نزد موسی داشت، جز این که پس از من پیامبری وجود ندارد.»  و نیز فاطمه(س) روایت مشهور ردّ الشمس [بازگشت خورشید] را از اسماء برای مردم نقل می کرد. افراد گوناگونی از مردان و زنان، این ماجرا را از زبان فاطمه بنت علی شنیده اند، از جمله ابراهیم بن حسن از فاطمه از اسماء نقل کرده است: سر پیامبر بر دامن علی(ع) بود و بر او وحی نازل می شد، علی(ع) نماز عصر را نخوانده بود و آفتاب غروب کرد. پیامبر(ص) پس از نزول وحی، به درگاه خداوند چنین دعا کرد: خداوندا اگر علی ولی تو و پیامبرت است، خورشید را [برای ادای نماز عصر] برای او برگردان. اسماء گفت: من هم غروب خورشید را دیدم و هم بازگشت آن را پس از غروب.(20)  و نیز فردی گزارش کرده، نزد فاطمه بنت علی رفتم، در دستانش دستبند و در انگشتانش انگشتر و گردنبندی از مهره برگردن داشت. از آن پرسیدم. گفت: زن نباید به مردان شبیه باشد.(21)  به نظر می رسد این ماجرا بایستی مربوط به دوران پیری فاطمه باشد که آراستگی وی در سن کهنسالی، راوی را به شگفتی واداشته و از آن پرسیده است.  **پی نوشتها:**  1. عراق، در آن دوره بخشی از ایران بود و عدهبسیاری از ساکنان کوفه موالی و پارسی زبان بودند.  2. ر.ک: نهج البلاغه، بخش کلمات قصار، شماره 37.  3. ر.ک: علامه تستری، قاموس الرجال، ج 10، ص441، شماره 8094، مؤسسه نشر اسلامی، 1422 قمری.  4. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 7، ص115. مؤسسه آل البیت قم.  5. جعفر النقدی، زینب الکبری، ص 46 47. مطبعة حیدریة نجف، 1361 قمری. سعید الحسن، از علمای معاصر شهید اول، این گفته را به عباس(ع) نسبت می دهد، پیشین، ص 47.  6. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 45، ص164.  7. ابی القاسم خزار قمی، کفایة الاثر، ص 87، انتشارات بیدار.  8. شیخ فخرالدین طریحی نجفی، المنتخب،، ج 2، ص468. افست رضی، قم، از چاپ المکتبة الحیدریه، نجف.  9. نقدی، زینب الکبری، ص 48.  10- طبقات الکبری، ج 8، ص 476.  11. واقعه، آیه 37.  12. حافظ، ابی القاسم سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالحمید سلفی، ج 23، ص368، چاپ دوم، داراحیاء التراث العربی، وزارت اوقاف عراق.  13. محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 3، ص 57. دارالکتب الاسلامیة.  14. سید محمد کاظم قزوینی، زینب الکبری من المهد الی اللحد، ص 581، دارالغدیر للطباعة و النشر، چاپ دوم، 1324 قمری.  15.سید محمدکاظم قزوینی، از ولادت تا شهادت، (زندگانی زینب کبری)، ترجمه محمد اسکندری، ص 389، نشرصیام.  16. قزوینی، زینب الکبری، ص582.  17. ابی القاسم علی بن محمد خرّاز قمی، کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الا بنی عشر، تحقیق سید عبداللطیف کوه کمری، ص194، انتشارات بیدار، 1401 قمری.  18. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 466. دار صادر.  19. حافظ ابی عبدالرحمان احمد بن شعیب نسائی، خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، تحقیق محمدکاظم، ص 92. مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، 1419 قمری. المعجم الکبیر، طبرانی ج 24، ص150، 149، 151.  20. حافظ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 24، ص 152.  21. الطبقات الکبری، ج 8، ص 466. |